

کارکردهای تربیتی توحید اجتماعی با تأکید بر کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن

مریم انصاری^۱

چکیده

توحید اجتماعی، به عنوان یکی از بنیان‌های اساسی اندیشه اسلامی، فراتر از باور فردی عمل می‌کند و تمامی ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی و تمرکز بر اثر آیت‌الله خامنه‌ای، «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»، به تحلیل کارکردهای تربیتی توحید اجتماعی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد تحقق این مفهوم زمینه‌ساز پرورش انسان‌های مسئول، آگاه و متعهد، تقویت مبارزه با فساد و انحراف، نهادینه‌سازی مواسات و عدالت اقتصادی و ایجاد آرامش، انسجام و پیشرفت اجتماعی است. تربیت مبتنی بر توحید اجتماعی نه تنها توانمندی‌های فردی را ارتقا می‌دهد، بلکه بنیان‌های معرفتی و هنجاری جامعه اسلامی را تقویت کرده و ظرفیت ارائه الگویی جامع برای بازسازی ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را فراهم می‌آورد. این رویکرد می‌تواند راهنمای عملی برای سیاست‌گذاران، مربیان و پژوهشگران در طراحی نظام‌های تربیتی و اجتماعی مبتنی بر اصول توحید باشد و در تقویت هویت جمعی و بنیان‌های تمدن اسلامی نقش کلیدی ایفا کند.

واژگان کلیدی: توحید اجتماعی، کارکردهای تربیتی، کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تعلیم و تربیت اسلامی.

مقدمه

^۱. طلبه سطح دو، مرکز آموزش‌های غیرحضوری حوزه‌های علمیه خاوران.

توحید در اندیشه اسلامی همواره به عنوان بنیادی ترین اصل اعتقادی و روح حاکم بر تمام آموزه های دینی شناخته شده است. با این حال، برداشت های نوین از این اصل، به ویژه در حوزه کلام اجتماعی، در دهه های اخیر برجستگی خاصی یافته است. در همین چارچوب، «توحید اجتماعی» به عنوان مفهومی نوظهور، تلاشی است برای فراتر بردن توحید از سطح یک باور فردی و عبادی به عرصه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و تبدیل آن به چارچوبی عملی و تعهدآفرین در حیات جمعی مسلمانان.

توحید اجتماعی بر دو مؤلفه اساسی استوار است: نخست، نفی هرگونه سلطه و عبودیت غیرالهی، از جمله هواپرستی، خودکامگی و سلطه طاغوت؛ و دوم، اثبات ربوبیت مطلق الهی به عنوان خالق و مدبر هستی. چنین نگرشی، جامعه موحد را به سوی حق محوری، عدالت، مسئولیت پذیری و نفی تبعیض سوق می دهد و همه ارکان اجتماعی - از نهادهای سیاسی و اقتصادی گرفته تا مناسبات فرهنگی - را در جهت اطاعت الهی و تحقق ارزش های قرآنی سامان می بخشد.

از آنجا که تربیت اجتماعی در جامعه اسلامی جز در پرتو چنین نگرشی امکان پذیر نیست، بررسی کارکردهای تربیتی توحید اجتماعی ضرورتی بنیادین به شمار می آید. در واقع، تربیت مبتنی بر توحید اجتماعی نه تنها زمینه تعالی فردی را فراهم می آورد، بلکه زیربنای اخلاقی و معرفتی جامعه اسلامی و بستر بازسازی تمدن نوین اسلامی را نیز فراهم می سازد. بر همین اساس، کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن اثر آیت الله خامنه ای، که در آن توحید به مثابه یک ایدئولوژی اجتماعی و تعهدآفرین معرفی می شود، چارچوب نظری مهمی برای واکاوی این موضوع در اختیار پژوهشگران قرار می دهد.

علی رغم اهمیت اجتماعی توحید، رویکرد تربیتی ساختارمند مبتنی بر این اصول هنوز به طور جامع شکل نگرفته است؛ این خلاء پژوهشی، همراه با مشکلات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و پیامدهای مدرنیته بر سبک زندگی و هویت جمعی، ضرورت توجه ویژه به کارکردهای تربیتی توحید اجتماعی را برجسته می سازد و اهمیت آن را در فرآیند تمدنسازی اسلامی نشان می دهد.

مهمترین پیشینه این بحث، کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»، شامل مجموعه سخنرانی های آیت الله خامنه ای (۱۳۹۲) در ماه رمضان سال ۱۳۵۳ با موضوع طرح تبیین رئوس و اصول کلی اندیشه اسلامی با تکیه بر قرآن کریم است. در سالهای اخیر، درباره توحید اجتماعی تک نگاشت هایی نیز در قالب مقاله منتشر شده است؛ مانند مقاله «دکترین توحید اجتماعی؛ اندیشه ای بنیادین در تکامل هندسه توحیدی و تعالی معنوی موحدان»

(پورعباس و ابراهیم نژاد، ۱۳۹۸). پیش از آن نیز برخی مقالات به بعضی از کارکردهای اجتماعی توحید پرداخته‌اند؛ مانند مقاله «اصل توحید محوری و تأثیر آن بر اخلاق فردی و اجتماعی در المیزان» (همامی و یونسی، ۱۳۹۰)؛ «کاربست توحید و عدالت در ساخت توسعه فرهنگی از منظر قرآن کریم» (بجلی، ۱۳۹۶)، «کارکرد توحیدباوری در شهرسازی» (وفادار و همکاران، ۱۳۹۶) و «تأملی در کارکرد توحید عبادی نسبت به مظاهر عینی و مادی تمدن نوین اسلامی» (ابراهیم نژاد و همکاران، ۱۳۹۷).

اما درباره کارکردهای توحید اجتماعی در جامعه با معنای یادشده، اثر حائز اهمیتی که در قالب مقاله نوشته شده و پیشینه اصلی مقاله حاضر است «کارکردهای توحید اجتماعی در جامعه توحیدی از منظر قرآن» (عرب صالحی و پیشوایی، ۱۴۰۲) می باشد و همینطور مقاله‌های دیگر ایشان مانند «توحید اجتماعی، ماهیت، تعریف و نسبت آن با توحید اعتقادی» و «کارکرد توحید اجتماعی در عاملیت و ساختار اجتماعی با تأکید بر آیات قرآن» که زمینه برای پژوهش‌های بعدی در حوزه‌های مختلف کارکردهای توحید اجتماعی، از جمله کارکردهای تربیتی آن را ایجاد کرده اند؛ بنابراین در این روند مقاله حاضر متکفل بیان کارکردهای تربیتی توحید اجتماعی با ذکر شواهد قرآنی و با تأکید بر کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن است.

پژوهش پیش رو در دو بخش اصلی تنظیم شده است: نخست، به مفهوم‌شناسی توحید اجتماعی و مبانی نظری آن پرداخته می‌شود؛ سپس مهم‌ترین کارکردهای تربیتی توحید اجتماعی با تأکید بر کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن تحلیل شده و در ادامه، پیوند این کارکردها با اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای تبیین و نتایج پژوهش ارائه می‌شود.

۱. مفهوم شناسی

قبل از ورود به بحث درباره هر موضوع، تبیین و تعریف مفاهیم واژگان کلیدی آن، امری بایسته و ضروری است:

۱-۱. تربیت

واژه تربیت در زبان فارسی به معنای ادب، اخلاق و خوی و در زبان عربی به معنای پرورش دادن و متخلق کردن است. (میرزایی، ۱۳۸۹، ص. ۷). همچنین به معنای بار آوردن، رشد دادن، آموزش دادن، تعلیم دادن و بزرگ کردن فرزند نیز آمده است. (میرزایی، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۵).

تربیت به معنای پرورش دادن از اصطلاحات حکمت عملی است و هم جنبه‌های عرفانی دارد. امر تربیت از دیرباز در باب حکمت عملی جایگاه مهمی داشته است؛ یک بخش از حکمت عملی، تهذیب نفس است و در این باب کتابها نوشته شده است. (سجادی، بی‌تا، ص ۲۳۲).

مصباح یزدی تربیت را «به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه‌ی انسان در مسیر ارزش‌های الهی» دانسته است (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص. ۴۵). بنابراین، تربیت در معارف اسلامی علاوه بر رشد جسمی و عقلی، ناظر به رشد اخلاقی، ایمانی و معنوی نیز هست.

۱-۲. توحید اجتماعی

«توحید» در هر سه فرهنگ فارسی دهخدا، معین و عمید، در لغت به معنای «یگانه گردانیدن و یکتا قرار دادن» آمده و در اصطلاح به معنای «خدا را یگانه دانستن، به یگانگی خدا ایمان آوردن و یگانه پرستی» است (عمید، ۱۳۸۲، ص. ۴۳۲؛ معین، ۱۳۸۱، ص. ۳۵۲؛ دهخدا، بی‌تا، ج ۵، ص. ۶۲۳۲). همین طور کلمه «التوحید» هم در فرهنگ عربی به فارسی منجد الطلاب به «یکی گردانیدن، یکی کردن، یکتاپرستی، توحید و موحد» بودن ترجمه شده است (بندر ریگی، ۱۳۸۶، ص. ۶۶۱).

در فرهنگ معاصر عربی به فارسی نیز به معنای «یکی‌سازی، ترکیب؛ استاندارد سازی، منظم‌سازی، تنظیم، ادغام، اعتقاد به یگانگی خدا و یکتاپرستی» (آذرنوش، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۹۰)؛ «یکسان سازی، همانند کردن، یکپارچه کردن، متحد کردن، یکی کردن، ادغام کردن و ایجاد وحدت رویه» است (میرزایی، ۱۳۸۹، ص. ۲۲۱).

توحید، ایمان به خدای متعال به تنهایی و بدون شریک و همراه است و در اصطلاح اهل حق، انتزاع ذات الهی از هر چیزی باشد که در ذهن و در تخیلات و افکار تصور می‌شود و آموزه توحید در فلسفه به معنای اعتقاد به خدای واحد است (مصطفی و همکاران، ۱۴۲۶، ص. ۱۰۱۶). توحید، اصطلاحی مهم در فرهنگ و معارف اسلامی است که از حیث عقیده، باور به یکتایی خداوند، و از حیث عمل، منحصر کردن عبادت به خدای یکتاست (مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج. ۱۶، ص. ۶۱۵۵).

«توحید اجتماعی» اصطلاحی متأخر است که ذیل «توحید عملی» تعریف می‌شود. در اصطلاح‌نامه‌ی علم کلام، به معنای «یگانگی و وحدت در حیات اجتماعی» آمده است (مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۲، ص. ۲۲۸). این مفهوم توسط اندیشمندان معاصر برای تبیین پیوند آموزه‌های توحیدی با ساختارهای اجتماعی مطرح شده است.

«توحید» بنیادی ترین اصل اعتقادی دین اسلام است که تمام معارف و آموزه های دین بر محوریت و در پرتو آن معنا پیدا می کنند و به همین جهت از قرون اولیه همواره این موضوع با لحاظ صفات خداوند و نحوه اتصاف ذات به آن صفات و اقسامش، به شکل انتزاعی و نظری، محل بحث و معرکه آرا میان متکلمان بوده و آثار فراوانی در این باره نگاشته شده است؛ اما در «توحید اجتماعی» که زیرمجموعه «کلام اجتماعی» تعریف می شود، «توحید اعتقادی»، با رویکردی اجتماعی فهم میشود که علاوه بر داشتن سویه های عمیق معرفتی- اعتقادی، منادی نظام اجتماعی نوین است که در آن تنها خدا حاکمیت دارد (عرب صالحی و پیشوایی، ۱۴۰۰، ص. ۱-۲).

بنابراین «توحید اجتماعی» صرفاً یک باور ذهنی نیست، بلکه چارچوبی عملی و تعهدآفرین است که اعمال فردی و ساختارهای اجتماعی را جهت دهی می کند. در این نگرش، اطاعت الهی و حق محوری، اساس عاملیت انسانی و سامان اجتماعی قرار می گیرد و از طریق نفی ولایت های متعدد و ساختارهای شرک آمیز، زمینه تحقق عدالت و سرنوشت جمعی امت اسلامی فراهم می شود. آیت الله خامنه ای در طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، توحید را ایدئولوژی اجتماعی معرفی می کنند که باید به عمل و ساختار اجتماعی راه یابد و مسئولیت های کلان جامعه همچون حکومت، اقتصاد و روابط اجتماعی را متعهدانه شکل دهد.

۲. کارکردهای تربیتی توحید اجتماعی در طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن

نگرش اجتماعی به توحید با الهام از طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، مسیر پرورش انسان مسئول، بیدار و متعهد را نشان می دهد و زمینه بازآرایی مناسبات اجتماعی بر پایه هنجارهای اصیل توحیدی را فراهم می سازد. در این بخش، ابعاد مختلف کارکردهای تربیتی در این رویکرد معرفی و تحلیل خواهد شد.

۱.۲. افزایش مسئولیت پذیری و ایجاد انگیزه برای کار و تلاش

توحید از ریشه ی وحدت و از صیغه ی باب تفعیل به معنای واحد ساختن است که دراین معنا از یک باور و استدلال صرفاً مغزی فراتر خواهد رفت و تمام شئون و مناسبات زندگی فردی و اجتماعی را در بر می گیرد، زیرا به معنای خدایان متعدد را به صورت خدای واحد در آوردن و جامعه غیر توحیدی را توحیدی کردن و مغز مشرک و دل مشرک را مغز موحد و دل موحد قرار دادن است.

توحید، به معنای یکی کردن، همه‌اش تعهد است، انجام دادن است و در آن کار است، این اقتضاء و ایجاب در خود کلمه ی توحید است و این یک نکته‌ای است که توجه به آن موجب می‌شود که در باب توحید، یک روشن‌بینی مخصوصی در انسان به وجود بیاید (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص. ۲۲).

باید ایمان به هر فکری و به هر اصلی از افکار و اصول دینی، اولاً آگاهانه باشد، از روی فهم و شعور و آگاهی باشد، نه کورکورانه؛ ثانیاً ایمان همراه باشد با تعهد. آنچه که ما باید به آن ایمان پیدا بکنیم، حتماً آن چیزی است که در زندگی ما، در عمل ما، چه عمل فردی و چه عمل اجتماعی، چه مربوط به شخص خود، چه مربوط به جامعه خود، چه مربوط به بشریت و چه مربوط به آینده تاریخ، حتماً یک تعهدی را بر دوش ما می‌گذارد. با این مقدمه، وقتی ما وارد بحث توحید می‌شویم، قهراً این بحث برای ما یک بحث تعهدآور است، و توحید را ما آن چنانی بررسی می‌کنیم که اولاً آگاهانه به توحید برسیم، ثانیاً ببینیم تعهداتی که توحید بر دوش ما می‌گذارد، چیست. آیا توحید فقط یک فهمیدن بی مسئولیت و بی تعهد است؟ آیا دانستن یک حقیقتی است، بدون آنکه این دانستن بر دوش ما یک تکلیفی را بار کند؟ یا نه؛ توحید آگاهی و دانستنی است که به دنبال این دانستن، تکلیف‌ها، وظیفه‌ها، مسئولیت‌ها به انسان متوجه می‌شوند. به قرآن که مراجعه کنیم جواب این سؤال را خواهیم دید (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۱).

هر ایدئولوژی زندگی ساز، نقطه اساسی اش این است که من اینجا برای کاری هستم. اگر معتقد به خداست، می‌گوید مرا برای کاری آوردند و اگر معتقد به خدا نیست، می‌گوید من به هر حال اینجا کاری دارم. اساسی ترین نقاط یک فلسفه فکری که الهام بخش یک زندگی فردی و اجتماعی بشود، همین است: «ربنا ما خلقت هذا باطلاً» الهی است، معتقد به خداست؛ لذا می‌گوید پرورگار ما، تو این آسمان و زمین را این همه غوغا را به بیهوده و پوچی نیافریده‌ای، سبحانک تو از این منزّه و پیراسته‌ای که کار بیهوده بکنی؛ پس من مسئولیتی دارم، پس من باید راهی را بیمایم، پس من در مقابل این نظم عجیب و شگفت آور، یک نقطه ای هستم و برای کاری. در این نظم عجیب، یک جایی هم من دارم که اگر آنجا را به صورت درست و صحیح آن عمل را به صورت آنچنانی که تو خواسته‌ای انجام ندهم این نظم را خراب کرده‌ام (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص. ۷۲).

بنابراین اگر می‌پذیریم و قبول می‌کنیم که توحید علاوه بر اینکه یک بینش و برداشت از واقعیت است، یک شناخت عمل‌زا و زندگی‌ساز هم هست و عقیده‌ای است که متضمن تعهدی و مسئولیتی است، باید جستجو کنیم عهد و مسئولیت‌هایی که در دل توحید منظوی و مندرج است را پیدا کنیم و به صورت ماده ماده و جمله جمله و فصل فصل هر کدام را تیتری قرار بدهیم؛ اگر قرار شد توحید یک عقیده‌ای باشد که به دنبال خود تعهد و

مسئولیت و تکلیفی را برای معتقد به این عقیده به ارمغان آورد پس باید فهمید و دانست که این مسئولیت و این تعهد و این تکلیف‌ها چیست.

آیا این تعهد در همین خلاصه می‌شود که ما به زبان یا به دل و به فکر این عقیده را بپذیریم؟ یعنی خود اعتقاد یک مسئولیتی است؟ یا حد و قلمرو این مسئولیت منطقه فکر و دل بیرون‌تر می‌آید؟ اما در اعمال شخصی مثلاً موحد یک سلسله تکالیفی را به مقتضای توحید بر دوش خود دارد، از جمله اینکه نماز بخواند، از جمله اینکه نام خدا را در آغاز و انجام هر کاری بیاورد، از جمله اینکه فرض کنید گوسفند را، ذبیحه را جز به نام خدا نکشد و از این قبیل، در همین حد خلاصه می‌شود؟ یا نه، تعهدی که توحید به فرد موحد یا به جامعه موحد می‌دهد، از حد فرمان‌های شخصی و تکالیف فردی بالاتر است؟

تعهدی که توحید به یک جامعه موحد می‌دهد، شامل مهم‌ترین، کلی‌ترین، بزرگ‌ترین، اولی‌ترین و اساسی‌ترین مسائل یک جامعه است. مثل حکومت، اقتصاد، روابط بین الملل و روابط افراد با یکدیگر که این‌ها مهم‌ترین حقوق اساسی برای اداره و زندگی یک جامعه است. ما معتقدیم که تعهد توحید و مسئولیتی که بار دوش موحد می‌شود، مسئولیتی در حد تکالیف اساسی و حقوق اساسی یک جامعه است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۵)

۲.۲. تربیت انسان‌های آگاه و فعال

آیت الله خامنه‌ای در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن می‌فرماید:

«اگر بخواهیم ایمانها استوار باشد، اگر بخواهیم ایمانها زائل نشود و اگر بخواهیم ایمان، ایمان آگاهانه باشد، باید دائماً آگاهی بدهیم به آن کسانی که می‌خواهیم مؤمن باشند. از آگاه شدن اینها واهمه نکنیم و از چشم و گوش بسته ماندن اینها لذت نبریم.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص. ۷۰)

و از آنجا که عقیده به توحید ایمان است و ایمان یعنی باورِ عمل‌زا و تعهدآور؛ این ایمان باید از روی آگاهی باشد، کورکورانه نباشد، مجرد و لُخت و دور از عمل صالح نباشد. عقیده به توحید، ایمانی است آگاهانه و برای یک موحد آگاه، ایمانیست عمل‌زا و تعهد آفرین. تعهدی که توحید بر روی دوش موحد می‌گذارد، بزرگترین تعهدها، سنگین‌ترین تعهدها و مؤثرترین تعهدها در میان عقاید اسلامی و دینی محسوب می‌شود.

تعهد توحید از طرف یک موحد، در حقیقت خلاصه می‌شود در تعهد سازندگی یک دنیای توحیدی؛ تعهد توحید از نظر موحد و برای موحد، عبارت است از تعهد زدودن تمام آثار شرک؛ اینها تعهدات توحید است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص. ۲۲۶).

توحید اجتماعی با تأکید بر تفکر و تعقل، انسان را به سوی آگاهی و شناخت عمیق‌تر از خود، جهان و جایگاهش در هستی سوق می‌دهد.

همانطور که آگاهی نقش محوری در تحقق توحید اجتماعی دارد و در واقع، شناخت عمیق از مفهوم توحید و تبعات آن در زندگی فردی و اجتماعی، مبنای شکل‌گیری یک جامعه توحیدی است، برپایی یک جامعه بر محور توحید نیز منجر به تربیت افرادی آگاه و فعال نسبت به وضعیت جهان و جامعه خود می‌گردد و با بیدار شدن اراده برای پیاده سازی نظام توحیدی در سطح جامعه و تقویت حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، انسان‌ها به سمت فعالیت و مشارکت در ساختن جامعه‌ای بهتر هدایت می‌شوند. این فعالیت‌ها می‌تواند در زمینه‌های مختلفی از جمله سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باشد.

همچنین توحید اجتماعی با نفی هرگونه تبعیض و برتری‌جویی، افراد را به تفکر انتقادی و تحلیل عمیق مسائل اجتماعی تشویق می‌کند و با درک اینکه همه انسان‌ها در برابر خداوند یکسان هستند، افراد از پذیرش کورکورانه باورها و سنت‌های غلط دوری می‌کنند و به دنبال حقیقت و درک عمیق‌تر مسائل می‌گردند.

بدین ترتیب تفکر انتقادی، افراد را در مقابل سوء استفاده‌ها و تبلیغات گمراه‌کننده محافظت می‌کند و آنها را به عناصر پیشرو و فعال در عرصه‌های اجتماعی تبدیل می‌کند.

۳.۲. مبارزه با انحراف و فساد

در منظر توحید اجتماعی، همه انسان‌ها در آفرینش، طینت و فطرت، یگانگی و برابری دارند؛ این وحدت ذاتی زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای توحیدی است که بر مبنای عدالت و مساوات استوار است. تربیت توحیدی، انسان‌ها را به بازشناسی این وحدت فطری فرا می‌خواند و نیروی لازم برای مقابله با هر گونه انحراف و فساد را در جامعه تقویت می‌نماید؛ از این رو، نبوت و رسالت انبیاء، نه تنها برای اصلاح فردی و تربیت انسان‌ها، بلکه برای تحقق نظام اجتماعی توحیدی است که فساد و انحراف را از بنیان برمی‌چیند و جامعه را به سوی تمدن اسلامی حقیقی رهنمون می‌سازد.

«اگر برای از بین بردن و ریشه‌کن کردن فساد، اراده‌ی آدمی و نیروی آدمی به کار نمی‌آید، خدا انبیاء را بسیج نمی‌کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص. ۵۳)؛ این امر به روشنی بیانگر آن است که هدف اصلی نبوت، هدایت انسان‌ها به سوی جامعه‌ای پاک، توحیدی و عاری از فساد است. همه پیغمبرانی که مبعوث شدند از طرف پروردگار، دشمنانی داشتند از شیطان‌های جن و انس؛ «أَلَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ» یعنی چه؟ یعنی عبودیت نکنید، سرسپرده و مطیع آن نیروهای شر آفرین نگردید و توحید یعنی این، این یک رویه و یک بدنه و یک نما از استوانه توحید است، اطاعت نکردن، عبودیت نکردن و متحمل تحمیل‌ات نشدن. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۸)

توحید اجتماعی، فراتر از اعتقاد صرف به یکتایی خداوند، زمینه‌ساز شکل‌گیری یک نظم اخلاقی و اجتماعی است که از طریق آن انسان‌ها در برابر نیروهای فسادآفرین و انحرافی، ایستادگی و مقاومت می‌کنند. طرح کلی اندیشه اسلامی بیان می‌کند که توحید یعنی عبودیت و اطاعت صرف از خداوند و عدم تسلیم در برابر «شیطان»، مفهومی گسترده که نه تنها به ابلیس محدود نمی‌شود، بلکه شامل هر نیروی شرآفرین بیرونی یا درونی است که مسیر انسان را منحرف می‌کند.

شیطان یعنی نیروهای شر انگیز و شر آفرین خارج از وجود انسان... نفس اماره و شیطان، این از داخل، آن از خارج، این دوتا نیروهای فساد آفرین و نیروهای شر آفرینند، نیروهای انحراف و انحطاط آفرینند. شیطان یعنی هر آن چیزی که خارج از وجود توست و در راه تو اخلال می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۷)

اطاعت آن قدرتی که از سوی خداوند و نماینده خدا نباشد، اطاعت از آن مرکزی که آن مرکز از مرکز قدرت پروردگار الهام نگرفته باشد، این در حد شرک ست یا خود شرک است. برای خاطر اینکه ولو مردمی که این کار را انجام می‌دهند و مبتلای به این درد، به این بلا، به این نابسامانی بزرگ اجتماعی هستند، در کارهای شخصی خودشان آدم‌های مرتب و منظمی باشند، با پروا، پرهیزگار، مراقب؛ اما این بلای بزرگ موجب می‌شود که خدای متعال نظر لطف و رحمت را از این امت برگیرد آنان را معذب، معقب و مبتلای به نعمت خود قرار دهد. برای خاطر اینکه اطاعت غیر خدا و عبودیت غیر خدا منافی است به آن هدفی که خدا انسان را برای آن هدف آفریده است، منافی است با تکامل و تعالی انسان، منافی است با آزادی و وارستگی انسان، آن آزادی و وارستگی که مقدمه اوج‌گیری انسان است، اگر آن آزادی‌ها نباشد و اسارت‌ها به جای آزادی پاگیر و دام‌گیر انسان باشد، انسان نمی‌تواند به آن پرواز مورد نظر نائل بیاید و نمی‌تواند آن اوجی را که خدا برایش معین کرده است را بگیرد، نمی‌تواند رشد کند و نمی‌تواند به تکامل برسد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۹)

شیطان در این دیدگاه، نماد نیروهای شر و انحراف است که ممکن است به صورت نیروهای درونی مانند نفس اماره یا به صورت عوامل بیرونی و اجتماعی مانند ظلم و فساد جلوه کند. لذا توحید اجتماعی، به معنای عبودیت نکردن و اطاعت ننمودن از این نیروهاست، یعنی مقاومت در برابر هر نوع شر، فساد و انحراف.

۴.۲. تربیت اقتصادی مواسات محور

«مواسات» به معنای همدردی، همیاری، و تقسیم عادلانه‌ی نعمات و منابع میان اعضای جامعه است؛ به گونه‌ای که هیچ فرد یا گروهی در محرومیت و رنج اقتصادی باقی نماند و همه به سهم عادلانه و شایسته خود از نعمات دسترسی داشته باشند. این مفهوم، ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد که انسان‌ها را از نظر کرامت و اصل آفرینش برابر و یکتا می‌داند و تأکید می‌کند که مال و منابع مادی، امانتی الهی هستند که باید به نفع همه مصرف شوند.

آیت الله خامنه‌ای در جلسه دوازدهم طرح کلی اندیشه اسلامی، ذیل عنوان توحید و نفی طبقات اجتماعی می‌فرماید: «ستم بزرگ تاریخ و لکه ننگ بزرگ تاریخ بشر از جمله همین اختلاف طبقاتی است؛ اختلاف طبقاتی یعنی اینکه انسان‌هایی که در این جامعه زندگی می‌کنند مثل هم نیستند، یک عده محکومند به اینکه محرومیت بکشند، رنج ببرند، خدمت گروه‌های دیگر را بکنند و باید از این محرومیت و رنج گله‌ای هم نداشته باشند و یک عده هم باید برخوردار و بهره‌مند باشند، لذت و عیش زندگی برای آنها باشد، از همه مزایا بتوانند استفاده بکنند و اشکالی هم نداشته باشد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص. ۲۱۰)

اسلام آمد اعلام کرد که خدایانی نیست، خدایان غلط است، خداست. آن‌هایی که تصور می‌کردند دو خدا، دو گروه انسان را آفریده‌اند، با دو گونه تمایزات و مشخصات، اشتباه کردند، یک خداست، همه عالم را هم او آفریده و تدبیر جهان و جهانیان یکسره در قبضه قدرت اوست و او همه را برابر آفریده. او همه را از یک اصل، از یک طینت، از یک فطرت، از یک ریشه و منشأ مادی درست کرده و آیات قرآن در این زمینه فراوان است. این یک آموزش اسلامی است و در سایه توحید به انسان‌ها تعلیم شد، اثبات شد، مسجل شد که در متن جامعه اختلاف طبقاتی وجود ندارد. جامعه‌ای که اسلام به وجود می‌آورد آن جامعه گروه گروه نیست، طبقه طبقه نیست، ممکن نیست مردمی از حقوقی برخوردار باشند که دیگران از آن حقوق برخوردار نباشند. بنابراین توحید به معنای یک خدا قائل بودن و تدبیر و خلق و آفرینش و اداره جهان را از یک خدا دانستن، ضامن نفی طبقات اجتماعی است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص. ۲۱۴، ۲۱۵).

این حکم قاطع اسلامی ست در زمینه نفی طبقات اجتماعی؛ گرامی ترین شما در نزد خدا، باتقواترین است. (حجرات، ۱۳) یعنی از یک طبقه ای بودن، وابسته به خانواده ای بودن، وابسته به یک سلسله و تیره ای بودن، موجب گرامی تر بودن نیست. و تازه نکته جالب تر و باریک تر اینجاست؛ آنهایی که باتقوا هستند، که بالاتر از دیگرانند، باز از امتیازات حقوقی بیشتری برخوردار نیستند. این جور نیست که آدم های باتقوا یک پول بیشتری بگیرند، یک حقوق بیشتری داشته باشند یا از حقوق اجتماعی بیشتری و بهتری برخوردار باشند. (خامنه ای، ۱۳۹۲، ص. ۲۲۲)

قرآن در سوره ی اسراء همه ابناء بشر را بنی آدم نام می نهد و همه را تکریم می کند؛ می فرماید چه کسانی را تکریم کردیم و به چه کسانی از طبیات روزی دادیم؟ انسان ها را؛ نه طبقه و تیره ی خاصی (اسراء، ۷۰)؛ یعنی در میان آفریدگان انسان ها از کرامت ویژه ای برخوردارند و در این کرامت ذاتی نصیب و بهره یکسانی دارند؛

از طرفی در بینش اجتماعی توحیدی، مالک حقیقی تمام اموال خداوند متعال است و انسان ها ودیعه داران اموالند «الْمَالُ لِلَّهِ جَعَلَ الْوَدَاعِ عِنْدَ النَّاسِ»؛ مال را خدا به ودیعه و امانت دست انسان ها سپرده است (خامنه ای، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۴) و به کار بست مفید و بهینه آن در سطح کلی جامعه تأکید شده است. علامه طباطبایی در تفسیر «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء، ۵) که جعل اموال برای قوام زندگی به الله نسبت داده شده، «اموالکم» را اموال سفیهان از یتیمان و سر نسبت دادن به «کم»؛ یعنی اولیای مخاطبان را، عنایت به تعلق مجموع ثروت عالم به مردمان و آیه را مشتمل بر حکم عام خطاب به جامعه می داند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ ج. ۴، ص. ۱۷۰). علامه با استناد به آیه «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره، ۲۹)، اصل مهم اقتصادی را گوشزد میکند و آن اینکه، در یک نگاه کلی و کارشناسانه، اموال و ذخایر موجود در زمین به تمامی انسانها اختصاص دارد و همه جامعه ملزم اند در حفظ و رشد آن و جلوگیری از تضییع آن، از جمله اموال سفها بکوشند (عرب صالحی و پیشوایی، ۱۴۰۲، ص. ۱۳۲).

رفع انحصارطلبی و تجمع اموال در گروه یا طبقه خاص، از دیگر کارکردهای اقتصادی حاکمیت توحید در جامعه است. آیه «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» (حشر، ۷) با تعبیر «مَا أَفَاءَ اللَّهُ» و نسبت دادن فیء به خداوند و اختصاص آن در اولین مرحله به خداوند (فَلِلَّهِ) پس از بیان نحوه مصرف فیء با تعبیر «كَئِنْ لَا يَكُونُ دُولُهُ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»، به اصل اقتصادی بسیار مهم «عدم انحصار اموال و ذخایر مالی در اختیار عده ای محدود» اشاره دارد و برای ضمانت اجرای آن، در پایان امر به تقوا کرده است. این آیه در صدد نفی پیش فرض و ذهنیت اختصاص امتیازات مادی به صاحبان قدرت و ثروت است.

این اصل مهم اقتصادی به این نکته تأکید دارد که محرومان به خاطر ضعف در مطالبه حقوقشان، معمولاً به ثروتها و اموال عمومی دسترسی ندارند و در نتیجه، اموال و داراییها در اختیار جماعت خاص و محدود از صاحبان قدرت و سلطه قرار می گیرد که با اهداف نظام اقتصادی سازگار نیست و نتیجه آن، فساد در حوزه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خواهد بود (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۲۲، ص. ۱۰۷). از این اصل، فروعاً بسیاری استخراج شده که باید در تمام مباحث اقتصادی در جامعه اسلامی جریان داشته باشد (عرب صالحی و پیشوایی، ۱۴۰۲، ص. ۱۳۴).

بدین ترتیب، تربیت اقتصادی مواسات محور با تأکید بر همبستگی و برابری انسانی، نه تنها به رفع محرومیت و جلوگیری از فساد کمک می کند، بلکه بنیان تمدن اسلامی را بر پایه ای مستحکم از عدالت اجتماعی و اخلاق اقتصادی می نشاند. در واقع، مواسات به عنوان یکی از مظاهر توحید اجتماعی، پلی است میان آموزه های معنوی و تحقق عملی عدالت و برابری در زندگی مادی انسان ها.

۵.۲. تشکیل جامعه ای سالم و موقی:

توحید اجتماعی با ایجاد یک نظام فکری و ارزشی مبتنی بر یگانگی خداوند، زمینه ساز شکل گیری جامعه ای سالم، عادلانه، باثبات و معنوی می شود که در آن ارزش های انسانی و اخلاقی در بالاترین سطح خود قرار دارند. «خدا [برای فهماندن حقیقت توحید و شرک] مثلی زده است: مردی را که اربابانی ناسازگار و بداخلاق در [مالکیت] او شریک اند، و مردی که فقط برده یک مالک است، آیا این دو برده از جهت فرمان گرفتن و فرمان بردن با هم یکسانند؟ [موحدان که بنده خدای یکتا هستند، دارای زندگی منظم و پاک و آخرتی آبادند، و مشرکان که فرمان بران اربابان گوناگونند، دارای زندگی پریشان و آخرتی خراب اند.] همه ستایش ها ویژه خداست. بلکه بیشترشان [به آثار و منافع بندگی خدا] معرفت و آگاهی ندارند.

خدا (برای کفر و ایمان) مثلی زده (بیاموزید) آیا شخصی که اربابانی متعدد دارد همه مخالف یکدیگر (و هر کدام او را به کاری پر رنج و زحمت می گمارند) با آن شخصی که تسلیم امر یک نفر است (که به او مهربان است و هیچ تکلیف سختی نمی کند) حال این دو شخص یکسان است؟ خدا را سپاس (که حالشان هرگز یکسان نیست) لیکن اکثر این مردم درک (این حقیقت) نمی کنند.» (زمر، ۲۹)

حضرت یوسف (ع) با بیان داستانی در زندان می کوشد تا نقش و کارکرد توحید را به یاران دربندش شناساند. وی با اشاره به مسأله بردگی که در آن زمان گسترش داشته، بیان می کند که اگر شخصی دارای چند صاحب و

مالک باشد که هر کسی از آن چیزی بخواهد آیا می تواند به درستی به همه آن ها بپردازد و یا می تواند خود را از رنجی که به جهت اختلاف تقاضاها و درخواست ها پدید می آید برهاند؟ در زمان خودمان گاو و چارپایی را در نظر بگیرید که دارای چند مالک باشد. یکی می خواهد از آن سواری بگیرد و دیگری به کار شخم برد و یا سومی به آب کشی و یا حمل بار بگیرد. این چارپا افزون بر آن که رفتارهای مختلف و متفاوتی را پیشه کند می بایست خستگی متمدی را نیز به جان پذیرد. هنوز از کار یکی بر نیامده به کاری دیگری بپردازد و هنوز تن آرام نگرفته به شغلی دیگری در آید.

مالک های متعدد با جانور و انسان برده چنین رفتاری را در پیش می گیرند. اکنون اگر به جای همه این ها یک مالک داشت هم وضعیت خود را می دانست و هم کم تر به کار کشیده می شد و مالک می دانست تا چه زمانی از کار کشیده و یا می تواند کار بکشد.

توحید مساله امروز جامعه ماست. وحدت موجب می شود تا جامعه به اتحاد در آید و هدف مشخصی را در پیش گیرد و برنامه و توان و ظرفیت خویش را برای به دست آوردن آن سامان دهد. این گونه است که به هدف خویش هم زودتر و هم راحت تر و آسان تر می رسد. اما تشتت در بینش و نگرش موجب می شود که تشتت در هدف و نیز در راه و کار و برنامه پدید آید و کار خیر به شر و شر به خیر تغییر ماهیت دهد. هر کس در پی امری می رود که به نظرش خیر است و در حالی که باطل و شر است. تشتت در افکار و آراء و منش و کنش جامعه نتیجه ای جز تشتت در بینش و نگرش آنان نیست.

از این رو، بر پایه آیات قرآن کریم (یوسف، آیه ۳۷ - ۳۹) برای بازسازی امر توحید و وحدت اجتماعی و برنامه ریزی و هدف ضروری است که نخست بینش تغییر یابد و به شکل توحید واقعی خود را نشان دهد. (منصوری، ۱۳۸۸)

۶.۲. آرامش زایی اجتماعی و افزایش قوای روحی در جامعه

آرامش زایی و عدم هراس جوامع و امتها از ظالمان به دلیل اتکا به قدرت لا یزال الهی، از دیگر آثار روانشناختی توحید اجتماعی است. در قرآن کریم می فرماید: «این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی اساس) می ترساند. از آنها نترسید! و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید!» (آل عمران، ۱۷۵)

آیات «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸) و «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس، ۶۲) شاهد دیگری بر این مدعایند. با در نظر گرفتن رویکرد اجتماعی، جامعه ای که نام و یاد خدا در آن نفوذ

کرده باشد و حکمرانی مطلق او در تمام ساختار و لایه های نظام آن در جریان باشد، در فراز و فرودها و حوادث و مشکلات، به ویژه در مقابل دشمنان، با تکیه بر قدرت و توانایی نامحدود خداوند و یادکرد بشارت نصرت و یاری موحدان، پوشالی بودن قدرتهای غیر الهی را درک و احساس آرامش کرده و تهدیدهای دشمنان نیز هیچ تأثیری نخواهد داشت؛ زیرا باور عمومی این است که عزّت و قدرت، تنها از آن خداوند است: «الَّذِينَ يَتَخَذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِيتُوا عَنْهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء، ۱۳۹)؛ «وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر، ۱۰).

آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: «آمدند گفتند علیه شما دارند توطئه میکنند، بترسید، (مسلمانان را) می‌ترساندند. قرآن می‌فرماید از آنها بترسید، از من بترسید؛ خدای متعال را عبادت کنید، اعتماد به خدا کنید، در مقابل دشمن محکم بایستید و می‌توانید دشمن را به عقب برانید. خود این ترساننده از افراد ظالم که به انسان می‌گوید از این و از آن بترسید، از این قدرتها بترسید و ملاحظه کنید، شیطان است؛ که ما در طول تاریخ هم مشاهده می‌کنیم کسانی که از این قدرت‌ها ترسیده‌اند، دچار آزمون‌های سخت و تلخ زندگی شده‌اند. امروز قدرتهای اسلامی، ملاحظه قدرتهای ظالم دنیا را میکنند، از آنها می‌ترسند و قدرت خودشان را ندیده می‌گیرند؛ نتیجه این میشود که تو سرشان می‌خورد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۶/۲)

این اطمینان خاطر برای موحدان از این نظر حاصل میشود که معتقدند خالق این جهان، یعنی الله، به طور ذاتی و اصیل متّصف به تمام صفات نیک و نیکی آفرین است. او دارای دانش، قدرت، حیات، اراده و تصمیم است؛ او زنده‌ی جاودان، اصیل و حقیقی است؛ آن کسی که حیات از آن او و هدیه و موهبت اوست؛ آن کسی که زندگان به زندگی او زنده‌اند و اگر او نباشد، اگر او نخواهد و اراده نکند، یک زنده و یک جلوه‌ی زندگی در جهان باقی نخواهد بود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۵، ۱۴۷)

افزون بر آن، قرآن علاوه بر دادن اطمینان و آرامش به مؤمنان می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹)؛ «و سست و محزون نشوید و اگر مؤمن باشید، غالب و برتر خواهید بود». این رهنمود الهی با «سست شدن» به موازات «حزن» مقابله می‌کند؛ چون اینها دو احساس مستقیم‌اند که به نفس در این مقام هجوم می‌برند. لذا برای مقابله با این دو احساس، به صبر و ثبات اکتفا نمی‌کند و استعلا و احساس برتری کردن را مطرح می‌سازد. استعلایی که همواره از بالا به قدرتهای طغیانگر و به ارزشهای حاکم و به بینش‌های رایج و به اعتبارات و اوضاع و عادات و به توده‌های ضلالت گزیده می‌نگرد (سید قطب، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۴).

تعمیم این نگرش در جامعه نسبت به قدرتهای استکباری، موجب هم افزایی قوای روحی، محکم شدن اراده ها و تقویت انگیزه ها شده و در نقطه ی مقابل، هراس و اضطراب را در جبهه ی مشرکان ایجاد خواهد کرد که هر دو زمینه ساز غلبه ی موحدان بر تمام قدرتهاست. (عرب صالحی و پیشوایی، ۱۴۰۳، ص. ۱۳۹)

۷.۲. تغییر هنجارهای اجتماعی به سمت کارهای عام المنفعه

توحید اجتماعی با رشد و تربیت افراد در جهت وحدت و یگانگی در جامعه به انسان ها کمک می کند تا خود را بخشی از یک کل بزرگتر ببینند و به جای تمرکز بر منافع فردی، به منافع جمعی توجه کنند. این حرکت می تواند به تدریج هنجارهای اجتماعی را به سمت فعالیت های عام المنفعه سوق دهد و این فرایند با ترویج ارزش هایی مانند همبستگی، نوع دوستی و مسئولیت پذیری جمعی، افراد را تشویق می کند تا در فعالیت های خیرخواهانه و عام المنفعه مشارکت فعال تری داشته باشند. در نتیجه، هنجارهای اجتماعی به تدریج از فردگرایی به سمت جمع گرایی و همکاری سوق پیدا می کنند.

بنابراین از کارکردها و ثمرات اجتماعی شدن توحید، تربیت اجتماعی توحیدی و هنجار شدن خوبیها و نیکیها در جامعه است که در آیات ۵۹ تا ۶۱ سوره مؤمنون از اوصاف موحدان و معتقدان به بازگشت به سوی پروردگار شمرده شده است: «وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ الَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ لَهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ»؛ و آنان که به پروردگارشان شرک نمی ورزند و آنان که نهایت کوشش را در انجام طاعات به خرج می دهند و با این حال، دلهایشان هراسناک است از اینکه سرانجام به سوی پروردگارشان باز می گردند، آری چنین کسانی در خیرات سرعت می کنند و از دیگران پیشی می گیرند و مشمول عنایات ما هستند.

تعبیر «یسارعون فی الخیرات» به صورت فعل مضارع و «سابقون» نشان می دهد در جامعه توحیدی که شرک از آن برجیده شده: «وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ»؛ انجام کارهای نیک به صورت همگانی استمرار داشته و تبدیل به هنجار اجتماعی شده است؛ به گونه ای که موحدان در انجام امور خیر و نیک با هم رقابت دارند و از یکدیگر پیشی می گیرند. (عرب صالحی و پیشوایی، ۱۴۰۳، ص. ۱۳۸)

جمع بندی و نتیجه گیری

یافته های این پژوهش نشان داد که توحید اجتماعی در بُعد تربیتی، مهم ترین بستر برای پرورش انسان های آگاه، مسئولیت پذیر و متعهد است و می تواند جامعه را به سوی عدالت، آرامش و تعالی رهنمون سازد. تحلیل کارکردهای

تربیتی توحید اجتماعی با تأکید بر کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن آشکار ساخت که این رویکرد علاوه بر افزایش تعهد اجتماعی، تقویت آگاهی و مبارزه با فساد، به نهادینه شدن مواسات و عدالت اقتصادی، آرامش‌زایی اجتماعی و تغییر هنجارها به سمت خیر جمعی می‌انجامد.

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، توحید تنها یک باور اعتقادی نیست، بلکه بنیانی تحول‌آفرین برای تربیت انسان و سامان‌دهی حیات اجتماعی است. ایشان در طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن تأکید می‌کنند که ایمان توحیدی باید به اراده و عمل تبدیل شود و انسان موحد را به صحنه مسئولیت‌های اجتماعی بکشاند. از این منظر، تربیت دینی نه به پرورش فرد منزوی و منفعل، بلکه به پرورش انسان مقاوم، عدالت‌خواه و ایستاده در برابر طاغوت‌ها می‌انجامد.

این نگرش نشان می‌دهد که توحید اجتماعی مستقیماً به ساخت هویت فردی و جمعی مرتبط است؛ زیرا ایمان توحیدی هم به فرد عزت، استقلال شخصیت و اعتماد به نفس می‌بخشد و هم به جامعه انسجام، همبستگی و توان مقابله با انحرافات. به همین دلیل، آیت‌الله خامنه‌ای تصریح می‌کنند که توحید راستین با تحجر و انزوا سازگار نیست و باید به بیداری اجتماعی، آگاهی‌بخشی عمومی و حرکت تمدنی بینجامد.

از این منظر، توجه به پیوند توحید اجتماعی و تربیت در اندیشه ایشان نشان می‌دهد که پرورش انسان موحد تنها یک هدف فردی نیست، بلکه شرط لازم برای تحقق جامعه توحیدی و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است. این همان حلقه واسطی است که کارکردهای تربیتی توحید اجتماعی را به سطحی کلان‌تر یعنی بازسازی جامعه اسلامی و تمدن‌سازی متصل می‌سازد.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که تربیت مبتنی بر توحید اجتماعی نه تنها ضامن رشد فردی است، بلکه زیربنای اخلاقی و معرفتی جامعه توحیدی و بستر ساز شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی خواهد بود. نگارنده بر این باور است که ادامه پژوهش در حوزه‌هایی چون تعلیم و تربیت رسمی، خانواده، رسانه و نهادهای اجتماعی، و نیز بررسی تطبیقی این مفهوم با اندیشه دیگر متفکران اسلامی و نظریه‌های تربیتی معاصر، می‌تواند افق‌های تازه‌ای برای بسط مبانی تربیت اسلامی و بازسازی تمدن اسلامی فراهم آورد.

فهرست منابع

*قرآن کریم، مترجم: انصاریان

أ. کتب

__آذرنوش، آ. (۱۳۹۱). فرهنگ معاصر عربی- فارسی. نشر نی.

__خامنه‌ای، ع. (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. انتشارات صهباء.

__دهخدا، ع. (بی تا). لغت نامه. بی نا.

__سجادی، ج. (بی تا). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. بی نا.

__عمید، ح. (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی. انتشارات امیرکبیر.

__فضل الله، م. (۱۴۱۹ ق). من وحی القرآن. انتشارات دارالملاک.

__سید قطب. (۱۳۸۷). نشانه های راه. ترجمه سید محمود محمودی. احسان.

__مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی. (۱۳۸۲). اصطلاح نامه کلام اسلامی. انتشارات بوستان کتاب قم.

__مصباح یزدی، م. (۱۳۷۸). آموزش عقاید. بی نا.

__میرزایی، ن. (۱۳۸۹). فرهنگ اصطلاحات معاصر عربی- فارسی. نشر موسسه فرهنگ معاصر.

__معلوف، ل. (۱۳۸۶). فرهنگ جدید عربی- فارسی منجدالطلاب. بندر ریگی، نشر اندیشه اسلامی.

__مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی. (۱۳۸۲). اصطلاحنامه کلام اسلامی. انتشارات بوستان کتاب قم.

__موسوی بجنوردی، م. (۱۳۶۷). دانشنامه بزرگ اسلامی. مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

__معین، م. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی. نشر سرایش.

__مصطفی، ا. و همکاران. (۱۴۲۶ه.ق). معجم الوسيط. مجمع اللغة العربی

ب. مقاله‌ها

__عرب صالحی، م.، و پیشوایی، ف. (۱۴۰۰). توحید اجتماعی، ماهیت، تعریف و نسبت آن با توحید اعتقادی. فصلنامه قبسات، ۱۰۴، ۹۹-۱۲۴.

__عرب صالحی، م.، و پیشوایی، ف. (۱۴۰۳). کارکرد توحید اجتماعی در عاملیت و ساختار اجتماعی با تأکید بر آیات قرآن. فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی، ۴، ۱۴۲-۱۷۳.

__عرب صالحی، م.، و پیشوایی، ف. (۱۴۰۲). کارکردهای توحید اجتماعی در جامعه توحیدی از منظر قرآن. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۷(۲)، ۱۲۱-۱۴۲.

__منصوری، خ. (۱۳۸۸). کارکردهای اجتماعی توحید. پرتال جامع علوم و معارف قرآن.

ج. منابع اینترنتی

خامنه‌ای، ع. سخنرانی تلویزیونی در پایان محفل انس با قرآن کریم. ۱۳۹۹/۶/۲